

بررسی سبکی نامه‌های مشروطه خواهان به سران ایلات غرب کشور (با تکیه بر ایل کلهر)

ایرج نیکجو

استادیار گروه معارف، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

Nikjoiraj5@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۸ شماره ۶۸ - صفحه ۳۶۷-۳۴۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۱

چکیده

در بدو حکومت قاجار یک نهضت بزرگ ادبی در ایران آغاز شد که زبان فارسی و شیوه نظم و نثر را به سوی تحولی مترقیانه و تکاملی پیش برد. انقلاب مشروطه یکی از رخداد‌های بسیار مهم تاریخ ایران است که بر تمام بخش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران به‌خصوص ادبیات تأثیر گذاشته و ادبیات را طوری متحول کرد که باعث سبکی به نام «ادبیات مشروطه» گردید. ایل کلهر یکی از ایلهای بزرگ در غرب ایران بوده و در عصر مشروطه نقش مؤثری در مسائل سیاسی و نظامی داشته است. پیروزی انقلاب مشروطه و استبداد صغیر از مسائلی بود که ایل کلهر با ریاست داودخان را درگیر جریان‌های سیاسی - نظامی کشور نمود و همین مسئله باعث مکاتبات اداری بین سران ایل کلهر و دولت مرکزی گردیده است، از این رو تاکنون ادبیات این دوره از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است، اما به نامه‌ها که از اساسی‌ترین وسایل ارتباطی بوده کمتر توجه شده و مورد غفلت واقع گردیده که در این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی و واکاوی تعدادی از نامه‌هایی که مخاطب آن‌ها سران ایل کلهر بوده، پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: مشروطه، مشروطه خواهان، نامه، ایلات، ایل کلهر

مقدمه

قدیمی‌ترین اشاره به ایل کلهر به دوره‌ی صفویه برمی‌گردد (گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۷). از ابتدای دوره‌ی شاه طهماسب اول (۱۵۷۶-۱۵۲۴ م) کوچ نشینان کلهر، بین کرمانشاهان و مرز ایران ساکن بودند. در سال ۱۵۴۴م گروهی از نیروهای دولتی برای تنبیه عشایر کلهر که همواره یاغی بوده‌اند فرستاده شد (افشار، ج ۲، ۱۳۶۶: ۲۸۶). پراکندگی ایل کلهر در دوره‌ی صفویه از ماهیدشت تا مندلی و خانقین در خاک عراق بوده است. رئیس این ایل همیشه پانصد نفر جنگجو را آماده خدمت می‌کرده و ظاهراً حاکم ایل دارای موقعیت مستقلی بوده است (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۰۳). پادشاهان صفویه تا دوره‌ی شاه عباس کبیر برای ریاست ایلات مختلف ایران از سران قزلباش استفاده می‌کردند، اما شاه عباس این سیاست را تغییر داد و حکمرانان را از میان خود ایلات انتخاب می‌کرد. بدلیسی در ذیل حوادث سال ۱۰۰۲ ه.ق در ذکر امر ماهیدشت و تغییرات حکمرانی آن‌ها که مصادف با پادشاهی شاه عباس است سخن به میان آورده است (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۱۲). در این دوره ایل کلهر مدتی دچار ضعف می‌شود. برن می‌نویسد: «ایل کلهر در این زمان در تحت حاکمیت ایل زنگنه به مرکزیت سنقر و کرمانشاهان قرار می‌گیرد» (برن، ۱۳۷۵: ۱۱). بدلیسی تقسیمات ایل کلهر را در این دوره چنین آورده است: «ایل کلهر در دوره صفوی به سه دسته تقسیم می‌شود: پلنگان و سرتنگ (در زهاب) و ماهیدشت در مغرب کرمانشاه (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۱۲). پس از به قدرت رسیدن نادرشاه، سیاست جابجایی ایلات و عشایر را به اجرا در آورد و چون از نافرمانی ایل کلهر با خبر شد برای کم کردن قدرت آن‌ها در منطقه کرمانشاه گروه زیادی از اعراب میش مست و ترکمان را به قلعه معروف کرمانشاه فرستاد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۷۱). پس از مرگ نجف‌قلی خان ایل بیگی کلهر که به دستور نادر کور شده بود، علی‌خان کلهر ایل بیگی را به دست آورد. با به قتل رسیدن نادر، ایلات زنگنه و کلهر با استفاده از هرج و مرج اوضاع داخلی بر سر اعراب میش مست و ترکمان که در قلعه مستقر بودند ریخته آن‌ها را از پای در آورده مجبور به فرار کردند. کریم خان زند دستور محاصره قلعه را صادر کرده بود و رؤسای زنگنه و کلهر تعهد داده بودند که این مهم را به انجام برسانند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۲۱۶). در عصر کریم خان زند، ایل کلهر وارد عرصه جدیدی شد. هنگامی که او از تسخیر

تهران، عراق و قزوین فارغ شد به طرف کرمانشاه آمد و در اسلام آباد که محل زندگی ایل کلهر بود بزرگان قوم از وی استقبال کردند و در اردوگاه وی پذیرایی شدند (ورهرام، ۱۳۶۸: ۴۳). در عصر قاجاریه قدرت ایل کلهر به دست خاندان حاجی زاده و یآوری افتاد. حاجی زاده‌ها که خانواده‌ای شهرنشین بودند مرکزیت ایل را از هارون آباد به شهر کرمانشاه انتقال دادند. با شروع درگیری‌های ایران و عثمانی در سرحدات غرب، فتحعلی شاه پسر خود محمدعلی میرزا را به حکومت کلیه ولایات غربی ایران از مغرب آذربایجان تا بصره انتخاب کرد (شمیم، ۱۳۷۴: ۱۱۳). خاندان حاجی زاده که ریاست کلهر را در دست داشتند در درگیری با عثمانی‌ها در منطقه گیلان غرب از خود رشادت زیادی به خرج دادند هنوز آن نقطه از خاک کشورمان یعنی «تنگه حاجیان» به نام سواران کلهر به فرماندهی حاجی زاده‌ها نام گذاری شده است (گودرزی، ۱۳۸۱: ۳۲).

ایل بزرگ کلهر در محدوده فعالیت انقلابیون مشروطه بوده‌اند، به عبارت دیگر به کانون مبارزات نزدیک‌تر بوده‌اند به همین منظور مشروطه خواهان طی این نامه‌ها از آن‌ها طلب یاری کرده‌اند. از طرفی هم می‌دانیم که نهضت مشروطه بر تمامی بخش‌های جامعه تأثیر گذاشت و ادبیات فارسی را چنان دستخوش تغییر و تحول کرد که در طبقه‌بندی سبک‌ها و دوره‌های ادبی، دوره مستقلی با عنوان «ادبیات مشروطه» ایجاد کرد که در اشکال گوناگون قابل بررسی است، به همین منظور در این مقاله تلاش شده نامه‌هایی را که علمای خارج از ایران به طرفداری از مشروطه برای سران ایل کلهر فرستاده‌اند از لحاظ سبکی به روش تحلیلی - توصیفی بررسی شوند.

با توجه به ماهیت موضع تحقیق، روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش توصیفی - تاریخی و تحلیلی خواهد بود. آنجا که مبتنی بر مدارک و شواهد است از روش توصیفی - تاریخی استفاده شده و آنجا که نگارنده از ذهنیت و استدلال‌های شخصی خویش کمک گرفته است از روش تحلیلی بهره برده است. مبحث بررسی سبکی نامه‌های مشروطه خواهان به سران ایلات غرب کشور و درمان مباحثی همچون ادبیات دوره مشروطه، روزنامه‌نویسی و طنز نگاری، رمان نویسی، نمایشنامه نویسی، ترجمه را در بر می‌گیرد طبیعی است که پژوهش حاضر همه این مؤلفه‌ها را مورد مذاقه قرار دهد.

بحث

۱. ادبیات دوره مشروطه

دوران مشروطیت، نقطه عطفی در تاریخ و ادب ایران بود. تغییراتی که در این زمان، در اوضاع کشور پدید آمد مستقیماً بر ادبیات تاثیر گذاشت. گرچه از سال‌ها پیش، جرقه‌های ساده نویسی زده شد اما در تغییر اساسی در محتوا، از این زمان آغاز شد تا پیش از این شعرا در دربارها مدح پادشاه می‌گفتند و از صلوات و جوایز برخوردار می‌شدند. این کار دو حسن داشت اول اینکه شاعر از این راه زندگی می‌گذراند و دوم اینکه آثار او توسط او توسط دربار، حفظ و منتشر می‌شد. محیط خارج از دربار قابلیت درک شعر را نداشت و پیچیده‌گویی و آرایش‌های لفظی که خوشایند ادبا و سلاطین بود به شاعر امکان ساده‌گویی نمی‌داد. اما به یکباره این اوضاع دگرگون شد و دلایل متعدد موجب تحول عظیم در امور مملکتی شد حضور امیر کبیر و تاسیس دارالفنون و فرستاده شدن برخی از متفکران برای تحصیل به اروپا و آشنایی با روش‌های دیگر زندگی، چشم و گوش ایران را به سوی ندیده‌ها و نشنیده‌ها گشود. کشمکش‌هایی که بین دربار و مردم پدید آمد، تغییر حکومت قاجار و شکستن اقتدار شاهان، که تا آن زمان همه کاره بودند و مصداق «الناس علی دین ملوکهم» در جامعه اجرا می‌شد، همه باعث شد که ادبا از دربار ناامید شده به میان مردم بیایند اما اگر به همان سبک و سیاق قدیم باقی می‌ماندند نه خود در میان مردم جای داشتند و نه شعرشان طلبه‌ای داشت. هنگام اوج مشروطه خواهی مردم، شعرا و نویسندگان از هر طبقه‌ای که بودند، با مردم یکی شده از زبان کوچه و بازار الهام گرفتند و شعر ساختند و تمام پل‌هایی که به گذشته ختم می‌شد شکسته شد هر چند هنوز برخی از شعرا به اقتضای حال و مقام، در وصف شاه نیز می‌سرودند؛ اما آنهم یک بازی سیاسی بود برای باقی ماندن. شاعری نوگرا همچون ملک الشعرای بهار که علی‌رغم مردم‌گرایی و وطن‌پرستی قصاید متعددی برای رضا شاه سروده است یکی از آنهایی است که توانست هم به ادبیات خدمت کند هم حامی مردم باشد همزمان با اشعار دو پهلوی خود دل شاه را به دست آورد. تاکنون ادبیات دوره مشروطه در انواع مختلفی که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود تقسیم‌بندی و بررسی شده است، اما به نام‌ها که یکی از انواع مهم نوشته‌های ادبی و تاریخی هستند توجه جدی نشده است. در این پژوهش سعی شده است سبک

نامه‌های مشروطه خواهان به سران ایلات غرب کشور حتی الامکان بررسی و تغییر و تحولات اساسی آن نشان داده شود.

۱،۲. روزنامه‌نویسی و طنزنگاری

به سبب حساسیت فضای سیاسی در سال‌های اول مشروطه، کمتر نویسنده‌ای دست‌به‌کار نوشتن کتاب می‌زد و اکثر آن‌ها مطالب خود را در قالب مقاله در روزنامه‌ها منتشر می‌کردند. روزنامه‌های بی شماری در این دوره انتشار یافتند که در آن‌ها بیشتر مطالب سیاسی، اجتماعی و بعضاً علمی منتشر می‌شد که جنبه‌ی اطلاع رسانی داشت. برخی از این روزنامه‌ها علاوه بر اخبار و مقالات سیاسی، پاره‌ای از اشعار و آثار ادبی را نیز درج می‌کردند. از روزنامه‌های مهم ادبی این سال‌ها می‌توان «صور اسرافیل» را نام برد که با مدیریت جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی در تهران منتشر شد و با مقالات دهخدا به شهرت رسید. از دیگر نشریه‌های مهم این دوره «نسیم شمال» به مدیریت و نویسندگی سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی است که سراسر منظوم بوده و با لحنی طنزآمیز همه چیز و همه کس را مورد انتقاد قرار می‌دهد. مجله‌ی بهار که ظاهراً نخستین نشریه‌ی کاملاً ادبی محسوب می‌شود در سال‌های مشروطه به وسیله‌ی میرزا یوسف خان اعتصام منتشر شد و پس از آن دو مجله‌ی «دانشکده» و «نوبهار» که از جمله مهم‌ترین نشریات سال‌های مشروطه به شمار می‌آیند با مدیریت ملک الشعرا بهار به عرصه ظهور رسیدند. به طور کلی روزنامه‌نویسی و طنزنگاری در دوران مشروطه با ویژگی‌هایی چون ساده نویسی، نوگرایی و تجدخواهی و آزادی طلبی و با هدف تأثیر بر عوام گسترش یافت و یکی از انواع ادبی نشر مشروطه را تشکیل داد (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۱۸). در روزنامه‌نویسی و طنزنگاری مشروطه دو جنبه اساسی به چشم می‌خورد: یکی نقد ادبیات گذشته و یکی طرح ادبیات نو، زین العابدین مراغه‌ای می‌گوید: «این ایام نه آن زمان است که ارباب قلم و افکار، اوقات خود را صرف خولیا و افسانه‌های واهی و اراجیف بی معنی مثل گذشتگان صرف نمایند که جز موهوم، چیزی حاصلشان نخواهد بود» (مؤمنی، ۵۶)

۲،۲. رمان نویسی

رمان در زبان فارسی پدیده‌ای است تقریباً جوان که همزمان با سال‌های آگاهی و نهضت مشروطیت مورد توجه جدی قرار گرفته است. (سپانلو، ۱۳۷۴: ۳۲) رمان نویسی به شیوه جدید در ادبیات کلاسیک فارسی سابقه‌ای ندارد و این نوع ادبی نیز محصول یک قرن گذشته است. پیش از انقلاب مشروطه، نویسندگان ایرانی نوشتن رمان به مفهوم امروزی را از طریق ترجمه رمان‌های تاریخی غربی آموختند و نوشتن رمان‌هایی شبیه به آن‌ها را آغاز کردند. در عصر مشروطه بیشترین رویکرد نویسندگان به رمان‌های تاریخی بود؛ چراکه از سویی نوعی باستان‌گرایی و روحیه‌ی کاوشگرانه در شناخت هویت گذشته میان آن‌ها حاکم بود و از سوی دیگر، به دلیل اوضاع سیاسی نوشتن رمان تاریخی خطر کمتری در بر داشت از این رو اهتمام به نگارش رمان تاریخی و رمان‌های اجتماعی سطحی در قیاس با کار پرخطر روزنامه‌نویسی یا نوشتن رمان سیاسی توأم با امنیت تلقی می‌شد و چنین است که در دوره مورد بحث ما نیز جز تعدادی رمان تاریخی رمان دیگری نوشته نشد (رحمیان، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۳).

۳،۳. نمایشنامه نویسی

اطلاعات ما پیرامون سابقه‌ی نمایش در ایران قدیم محدود است و حتی اشارات مختصر در این باب نیز بیشتر در منابع خارجی یافت می‌شود (سپانلو، ۱۳۷۴: ۱۹۹). نمایشنامه نویسی نوع ادبی جدید به شمار می‌رود و در ادب کهن ایران به شیوه غربی سابقه‌ای ندارد. در دوره ناصرالدین‌شاه رفت و آمد ایرانیان به اروپا به نحوی چشمگیر افزایش یافت و تعدادی از ایرانیان هنردوست به محافل هنری و ادبی اروپایی راه یافتند و با چگونگی کار آن‌ها از جمله اجزای نمایشنامه آشنا شدند و پس از بازگشت به ایران از یک سو به ترجمه و اجرای نمایشنامه‌های اروپایی پرداختند و از سویی دیگر بعضی از بازی‌های فکاهی را نگاهشتند و به نمایش گذاشتند. اولین کسی که در ایران به نوشتن نمایشنامه فارسی پرداخت میرزا آقا تبریزی بود که سه نمایشنامه‌ی کوتاه تألیف کرد این سه نمایشنامه به سبب انتشار بخشی از آن‌ها در صدر مشروطه تنها نمونه ادبیات نمایشی در این دوره محسوب می‌شود، روایت این نمایشنامه‌ها از طریق گفت و گو صورت می‌گیرد و زبان آن‌ها مانند نثر داستانی قبل از مشروطه ساده، روان، بی تکلف و عوام فهم است (آرین‌پور، ج ۱، ۱۳۵۷: ۳۵۹).

۴,۲. ترجمه

فن ترجمه از عوامل مؤثر در رشد آگاهی و تحول اندیشه‌ی ایرانیان در سال‌های قبل از مشروطه بود بسیاری از تحولات فرهنگی و تغییرات اجتماعی و دستیابی نویسندگان به تکنیک‌های داستان نویسی و نمایشنامه نویسی و رویکرد آن‌ها به نگارش رمان از طریق مطالعه‌ی آثار ترجمه شده به دست آمد (ادبیات معاصر نثر، رحیمیان: ص ۵۵). ترجمه‌ی آثار اروپایی در ایران با ایجاد چاپخانه در زمان فتحعلی شاه آغاز شد و در کنار گونه‌های دیگر ادبی به مرور گسترش یافت (نخستین کنگره نویسندگان ایران، ۱۳۲۶: ۱۴۲).

۵,۲. تحقیقات ادبی و تاریخی

تحقیقات ادبی و تاریخی در محدوده تاریخی مشروطه به علت اشتغال اهل قلم به روزنامه‌نویسی و سیاست جاذبه‌ای نداشت و جز «تاریخ بیداری ایرانیان» تالیف ناظم الاسلام، اثر درخوری پدید نیامد. ۱. نامه‌ها

نامه‌ها یکی از انواع مهم ادبی هستند که قسمت عمده‌ای از نوشته ادبی را به خود اختصاص داده‌اند تا جایی که می‌توان گفت حجم عظیم بعضی از آثار برجسته و تراز اول ادبی ما را شامل می‌شوند، برای نمونه دو اثر برجسته و شاهکار ادبیات فارسی تاریخ بیهقی و شاهنامه هستند که در شاهنامه در مجموع ۱۹۲ مورد نامه وجود دارد و در تاریخ بیهقی به ۳۴۲ مورد نامه اشاره شده است که در مجلد اول ۸۹ نامه در مجلد دوم ۱۷۸ مورد و در مجلد سوم ۸۵ نامه وجود دارد (سرامی، ۱۳۷۳: ۲۴۴). در دوره مشروطه از بُعد ارتباطی یکی از وسایل ارتباطی مؤثر نامه‌ها هستند که در بررسی‌های ادبی تا حدودی مورد غفلت مانده‌اند که در اینجا به آن‌ها می‌پردازیم.

مشروطه خواهان برای جلب حمایت ایلات و عشایر غرب کشور و تشویق و تحریک آنان به طرفداری و دفاع از مشروطه مکاتباتی با آنان داشته‌اند و نامه‌هایی بین آنان ردوبدل شده است که هم از لحاظ ساختاری و هم محتوایی برای دست‌یابی به خصوصیات سبکی آن‌ها و میزان تأثیرپذیری نویسندگانشان از روند نثر آن دوره مفید هستند. بر اساس این هدف مسائل تازه‌ای در ادبیات مطرح گردید که پیش از آن سابقه نداشت مانند مسائل سیاسی و اجتماعی، نظام موجود، آزادی خواهی،

وطن دوستی و... که گاه موجب عوض شدن فرم نامه‌ها گردید. که نخستین پیامد ردوبدل شدن نامه بین مشروطه خواهان به سران ایلات غرب کشور بود.

ویژگی‌های سبکی نامه‌ها

به‌طور کلی روند نشر تمامی انواع ادبی مشروطه به سمت ساده‌نویسی، روانی و عوام فهم بودن، بوده و آزادی‌خواهی، سنت‌شکنی، قانون خواهی، تجددطلبی توجه به اهمیت و نقش مطبوعات از خصوصیات درون‌مایه‌ی این آثار محسوب می‌شود. با توجه به این‌که نامه‌های بررسی شده در این مقاله به حوزه خاصی تعلق داشته‌اند مضمون آن‌ها آزادی‌خواهی و مبارزه با ظلم و ستم بر اساس سنت و قرآن هست از لحاظ ساختاری به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

سبک عبارت است از تکرار برجسته و معنادار که نشان دهنده‌ی یک عادت زبانی یا یک مشخصه پایدار فکری و روحی باشد. در یک تحلیل سبکی، باید پاره‌ای ملاحظات روش‌شناسی را پیوسته پیش چشم داشت. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها این است که متن را از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر و در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری بررسی نمود.

۱- قلمرو زبانی: هر اثر مکتوب، زبان ویژه‌ای دارد. زبان برخی از آنها، ساده و قابل فهم است و برخی دیگر به دلیل وجود پاره‌ای لغات و اصطلاحات خاص نیاز به تعمق و تأمل بیشتری دارد. این قلمرو، دامنه گسترده‌ای دارد: از این رو، آن را به سطوح و اجزای کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم. برخی از نکات برجسته‌ی قلمرو زبانی نامه‌های مشروطه خواهان به سران ایلات غرب کشور عبارتند از:

استفاده از القاب و تعریف‌های خسته کننده در آغاز بیشتر اسناد و نامه‌ها، برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود: خدمت بندگان امیرالامر العظام خدایگانی فرخ‌خان میر پنجه (سند شماره ۵۹) به شرف عرض عالی می‌رساند مرقومه محترم جناب مستطاب اشرف عالی (سند شماره ۶۲) مقام منبع ریاست الوزراء دامت شوکت (اداره‌ی تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۱۴۰)

تطابق صنعت و موصوف به تقلید از نحو عربی: مقاصد فاسده - خوانین عظام - مقاصد خبیثه - مرقومه محترمه و...

کوتاهی جمله‌ها: از ویژگی‌های سبکی نوشته‌هاست و این خصیصه در اسناد و نامه‌های عصر مشروطه به روشنی دیده می‌شود و کاتبان بیشتر از جمله‌های کوتاه استفاده کرده‌اند.

اختصار و ایجاز: با مشاهده و بررسی نامه‌ها مشخص است که قالب نامه‌ها مختصر است و نویسندگان سعی کرده‌اند مقاصد و مطالب را در موجزترین شکل به خواننده ارائه نمایند.

استفاده‌ی فراوان از لغات و ترکیبات عربی: با خوانش و مطالعه‌ی نامه‌ها، می‌بینیم که کاتبان در نگارش آنها، از واژه‌ها و ترکیبات عربی بیش از حد استفاده کرده‌اند و این خصیصه نشان می‌دهد که سبک نویسندگان عصر مشروطه تحت تأثیر نامه‌نگاری عرب بوده است.

حذف افعال بدون قرینه: در دستور زبان فارسی معمولاً فعل را به قرینه‌ی لفظی یا معنوی حذف می‌کنند اما در اسناد و نامه‌ها، در جاهای متعدد دیده می‌شود که فعل را بدون قرینه حذف کرده‌اند.

مثال: با مجاهدین آذربایجان یک دست (فعل نیامده) تا در حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رو سفید (فعل نیامده) و نزد تمام دول اروپا سر افراز (فعل نیامده) [سند شماره ۵۲].

ذکر افعال ماضی نقلی و بعید به صیغه‌ی وصفی، در صورتی که در روابط و ضمایر این افعال باید به قرینه حذف گردد. مثال: مضامین کفر آئین بر ضد مشروطیت به ماها نسبت داده و به طبع رسانیده و بدست عوام داده (سند شماره ۵۳) به حسب ظاهر با ملت همراهی نموده و چند دفعه قسم یاد کرده و قرآن مَهر نموده (سند شماره ۵۶).

استفاده از روابط معنایی کلمات از قبیل مترادف، تضاد و تناسب.

مثال: توبیخ و سرزنش - همراهی و مساعدت - ایالات و ولایات - جور و اعتساف - خلافی و خیانتی (مترادف) چاکری، ارادت، خدمت و بندگی (تناسب) قصور و حضور (تضاد).

آوردن تنوین بر سر کلمات فارسی به تقلید از قیده‌های عربی مثال: جاناً و مالاً برای خدمتگزاری حضرت عالی حاضریم (سند شماره ۶۰) آنچه را که باید خوانین شفاهاً از طرف حضرت عالی ابلاغ بکنند کردند (سند شماره ۶۰)

ضعف تألیف: گاهی در ساختار نحوی برخی جمله‌ها ضعف و سستی دیده می‌شود، مثال: امیدوار بخلداوند هستیم نوعی خدمت نمائیم روی معاندین سیاه شود آخر سال است هر قدر زودتر عمل

در حضور مبارک ختم نمایند بهتر است (سند شماره ۵۶).

صراحت لهجه و ترک کنایه و ایما و اشاره: مفهوم تمام نامه‌ها به صراحت و روشنی بیان شده است و اغماض، ایما، اشاره و کنایه‌ای در کار نیست.

مثال: چه طور محبت، وظیفه و غیرت دینیه اجازه می‌دهد که ما را از کسب این افتخار محروم سازید؟ خلاصه من مسلمانم و از برای پیشرفت اتحاد اسلامیه تا جان دارم کوشش می‌نمایم و ... (سران کلهر به وزارت داخله، ۵ رجب ۱۳۳۳).

در خصوص غارت اکبرخان و خان باباخان عرض کردیم غارت او را بگیریید بخود ما پس بدهید، حضرت اجل نصف کلهر را قتل و غارت فرمودند دیگران بردند دیناری به ماها عاید نشد غیر از خرابی و بدنامی، امر فرمودید که باید با داودخان اصلاح نمائیم چند دفعه ابا کردیم، دیگر مغایرتی بین ماها نماند(اداره تلگرافی دولت علیه ایران).

جمع بستن ضمائر بدون قاعده: ماها - شما ها و ...

آوردن حرف (به) بر سر کلمات (جهت، توسط و...) لازم به ذکر است که این کار حشو ایجاد می‌کند و زاید است. مثال: به جهت - به توسط و ...

جمع مکسر بستن واژه‌های فارسی به سبک عربی: تواریخ، خوانین

استفاده از عبارات و جملات دعایی و معترضه: کاتبان درباری عصر مشروطه به رسم معمول پیشینیان برای ممدوح خود آرزوی سلامتی و طول عمر و سر بلندی و عزت و پیروزی می‌کنند و این مقاصد را در جملاتی دعایی و به زبان عربی بیان کرده‌اند. عباراتی چون: دام اعزازهم - دام تأییدهم - دام نصره - دام اقباله - دامت شوکتہ.

ساده نویسی و روانی جملات: در نگارش نامه، روانی و سادگی عبارات ملموس و مشهود است و خواننده به راحتی می‌تواند مفهوم و منظور آنها را به دست آورد و این ویژگی در دیگر قالب‌های نوشتاری عصر مشروطه هم دیده می‌شود.

استفاده از مخاطب دوم شخص: با آوردن ترکیباتی چون: ای خوانین عظام، شماها و ... نویسنده می‌خواهد توجه خواننده را به نوشته مجذوب کند و او را به طور مستقیم یا غیر مستقیم درگیر کند

و هدف نویسنده این است که مخاطب شأن و جایگاه خود را ببیند و به مطالبات و خواسته‌های آنها توجه نماید.

۲- قلمرو ادبی: گام دیگر در بررسی یک اثر، فهم زیبایی‌های ادبی آن است. در این قلمرو، به کارگیری عناصر زیبایی آفرین در سه سطح، آوایی، بیانی و بدیع بررسی می‌شود. در اسناد و نامه‌ها استفاده از عناصر زیبایی آفرین کم‌رنگ و ضعیف است اما به مواردی از آنها اشاره می‌شود: تکرار مترادفات و مزدوجات. مثال: سعی و اهتمام در استحکام اساس مشروطیت و قلع مواد فساد و قمع ریشه‌ی استبداد (سند شماره ۲۵).

موازنه و ترادف جمله: از اختلال اوضاع امروزی ایرانیان و ضعف و ذلت و پریشانی اسلامیان مسبوق و مستحضر می‌باشد (سند شماره ۵۶) اسارت و گرفتاری ملت مظلوم را مشاهده فرموده و نکبت و خواری رعیت بیچاره را ملاحظه می‌فرمائید. (سند شماره ۵۶) چند دفعه قسم یاد کرده و قرآن مهر نموده (سند شماره ۵۶).

استفاده از سجع و جناس: مسلمانان را بر قتل و قتال (جناس) برادران اسلامی خواهد فرستاد (سند شماره ۵۶)

قلع مولد فساد و قمع ریشه‌ی استبداد (سجع) (سند شماره ۵۲) چه اموال بتاراج رفته (سجع) و چه آبروها ریخته (سجع) (سند شماره ۵۶).

استشهاد به آیات و احادیث: بحکم «الاسلام یعلو و لا یُعلى علیه» بر حزب شیطان غالب شدند. (سند شماره ۵۲) نصرت شما از دین مبین یاری خداوند متعال است. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (سند شماره ۵۲).

تلمیح به داستان‌ها و رویدادهای تاریخی و مذهبی: شیوه‌ی چنگیزی را در آن صفحات معمول داشته (سند شماره ۵۶) هرچه آن برادران شما هل من ناصر گفتند یاری و نصرت آنها نکردید (سند شماره ۵۳).

بکارگیری کنایه: در نفوس و اغراض و اموال سی کرور ملت، مستبدانه تصرف و پنجه از خون آنها رنگین کنند (دسند شماره ۵۳) بر افتاء و دایع الله کمر بسته و چه جوانهای رعنا به خاک و خون آغشته (سند شماره ۵۶) کار باید یکطرفه و یک رو شود (سند شماره ۶۰).

استفاده از تشبیه و استعاره: خطه آذربایجان را صحرای بلا گردانیده (سند شماره ۵۶) در حمایت دین و احیاء اسلام و اعلاء کلمه حق و نشر لواء عدل و اعانت برادران دینی کوتاهی نفرمائید (سند شماره ۵۶) چشم اسلام (استعاره) بر غیرت و حمیت شما و دست تضرع و التجاء (استعاره) ملت بر دامن همت (استعاره) شما و نجات و خلاص برادران مذهبی بسته (سند شماره ۵). ای خوانین که چشم شفاعت (استعاره) به حضرت خیر الانام صلی الله علیه و اله و سلم دارید (سند شماره ۵۲). واج آرایبی یا نغمه‌ی حروف: در سطح آوایی هرگاه تکرار یک صامت یا مصوت باعث ایجاد آهنگ و موسیقی شود، به آن واج آرایبی یا نغمه‌ی حروف می‌گویند. یک نمونه از این آرایه استخراج و بیان می‌گردد.

محض خشنودی قلب پادشاه جوان مغرور، خدا و رسول را فراموش کرده و قلب مبارک حضرت حجت را مجروح نموده (سند شماره ۵۶).

تذکر: تکرار مصوت (ب) و صامت (ج) باعث واج آرایبی شده است.

استفاده از ضرب المثل و امثال حکم:

بخصوص این سفرکه بتوسط محترم مرقومه فرموده بودید، «گل بود به سبزه نیز آراسته شد» (سند شماره ۶۲). اگر چه مثلی است معروف «امتحان پول نمی‌خواهد» حضرت عالی هر وقت خدای نخواستہ اتفاقی افتاد فوراً دو کلمه مرقوم فرمائید. (سند شماره ۶۲)

۳- قلمرو فکری: کلمه‌ها و جمله‌ها، مصالح و ابزاری هستند که نویسنده یا صاحب اثر، آنها را برای بیان فکر و اندیشه‌ی خود به کار می‌گیرد؛ بنابراین آخرین قدم در بررسی متن، تعیین رنگ و بوی فکری و هوای مفهومی چیره بر متن است. در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش و دیگر جنبه‌های فکری بررسی می‌شود.

محتوای نامه‌ها مسائل اجتماعی و سیاسی است و گرایش به سمت حوزه‌های عمومی دارند، هرچند که مخاطب خاص آنها، سران و بزرگان بوده‌اند. مضمون اغلب آنها، آزادی خواهی و مبارزه با ظلم و ستم به عنوان یک تکلیف شرعی است. مشروطه خواهان برای جلب حمایت عشایر غرب

کشور و تشویق آنان به طرفداری و حمایت از خود مکاتباتی داشته‌اند و به طرح مسائلی چون وطن پرستی، بیگانه ستیزی، حمایت از مشروطه خواهی، عدالت طلبی و... پرداخته‌اند.

به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم:

«امروز اقدامات شماها، به منزله‌ی جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و نصرت شما از دین مبین یاری خداوند متعال است» (سند شماره ۵۲).

«از آن روزی که در مقرر سلطنت قرار گرفت به حسب ظاهر همه را با ملت همراهی نموده و چند مرتبه به ایمان مغلطه قسم یاد نموده و قرآن مهر کرده که با ملت همراهی کند و قوایم مشروطیت و مشورت را قائم دارد اما در باطن چون مشروطیت منافی اغراض شخصیه و ضد مقاصد سیئه خود می‌دید، مشغول اخلال و احداث فتنه شد تا...» (سند شماره ۵۳).

«سعی و اهتمام در استحکام اساسی مشروطیت و قلع مواد فساد و قمع ریشه استبداد نموده...» (سلطانی، ۱۲۱).

۱،۱،۳ تعلق به حوزه خاص

عناصر زیباشناختی هر نوشته‌ای را آرایه‌ها و هنجارهای هنری به کار رفته در متن تعیین می‌کند و خواننده با شناختن آنها، علاوه بر آن که لذت بیشتری از متن می‌برد، می‌تواند به لایه‌های زیرین جملات پی‌ببرد و اهداف نویسنده را کشف کند. همین عمل کشف است که می‌تواند کلام نویسنده را در ذهن خواننده تثبیت کند و علاوه بر آن عواطف و احساسات او را نیز برانگیزاند. بنابراین وجود آرایه‌ها و صنایع ادبی در هر نوشته با ماندگاری اثر در ذهن خواننده یا شنونده مرتبط است، زیرا بدین گونه است که زبان بعد ادبی به خود می‌گیرد (شعبانی، ۱۳۹۲: ۴۳). علی‌رغم اینکه روند نثر ادبی در این دوره گرایش به حوزه‌های عمومی دارد، اما این نامه محدود به سران و بزرگان بوده اگر چه محتوای نامه‌ها تا حدودی مسائل اجتماعی و عمومی است. برای نمونه:

نامه به وزیر داخله در مورد سالارالدوله که در پناه ایل کلهر قرار داشته است (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

نامه به وزیر داخله در مورد سران ایل کلهر (همان). نامه اقبال الدوله به روسای کلهر (همان). نامه

پیام آیات عظام، آقا محمد کاظم خراسانی و آقا عبدالله مازندرانی خطاب به ایلات کلهر و کلیایی و

احمدوند در پیوستن به مجاهدین آذربایجان و ترتیب آزادی آقا سیدعبدالله بهبهانی (سند شماره: ۵۲)

. نامه پیام حضرت آیه الله آقا محمد کاظم خراسانی به ایلات و طوایف کرمانشاهان برای پیوستن به مجاهدین آذربایجان و ترتیب آزادی آقا سید عبدالله بهبهانی (سند شماره: ۵۳) نامه اعلام پیوستگی سران کرمانشاهی به نهضت مشروطیت و عقد معاهده همکاری و پشتیبانی (سند شماره: ۵۹). نامه اقدامات و جناح بندی آیات عظام نجف اشرف و کربلا و سامرا در موضوع مشروطیت و تشکر از اعلام همبستگی داوودخان مظفر سردار مظفر ایلخانی کلهر خطاب به آیت الله آقا مهدی کرمانشاهانی (سند شماره: ۵۹) و نمونه های دیگر از این دست.

۲، ۱، ۳. بهره گیری از استدلال به جای توصیف

نامه های این دوره هم مثل سایر نوشته ها از توصیف که شیوه معمول نثر بوده اعراض نموده و بجای آن به استدلال روی آورده اند که بدنه اصلی تمام نامه است برای نمونه بخش استدلال یکی از نامه ها را در اینجا می آوریم: «... اگر چه تا به حال مکرر تکلیف آن خوانین عظام را تعیین نموده ایم و به آن ها نرسیده است باز هم محض ادا و تکلیف شرعی ایقاظ و تنبیه از آن برادران غیور و صاحب خانه های قدیمی ایران می نمایم...» (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). «... امروز اقدامات شماها به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و نصرت شما از دین مبین یاری خداوند متعال آن است ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ و یثبِتْ اَقْدَامَكُمْ این جانبازان در لوازم مساعدت و طلب ظفر و نصرت و قصور نخواهیم نمود انشاء الله تعالی. من الاحقر الجانی محمد کاظم خراسانی؛ عبدالله المازندرانی» (سند شماره ۵۲) «... امیدوار به خداوند هستم که بعدها به تلافی مافات نسبت به حضرت تعالی کمال چاکری و ارادت و بندگی را داشته باشم... و انشاء الله جناب عالی هم باید بیش از پیش نسبت به خوانین کمال محبت و مهربانی مبذول فرمایند بواسطه اینکه خوانین به فضل خداوند به هیچ وجه من الوجه از بنده جدایی و مغایرتی ندارند و بنده هم کمال خصوصیت و دوستی و مهربانی را نسبت به حضرات دارم...» (سند شماره ۶۲)

«... و چون اعراب اطراف خیلی با حضرت آیت الله خراسانی اظهار مساعدت و همراهی کردند، فعلاً آن خیر ندیده در شریعه کوفه مانده است [و] غرضی ندارد جر برگر دانیدن اعراب از همراهی با آقای آخوند. خداوند متعال یا هدایتش کند یا مرگش دهد و اما آقای آخوند امروز که بیست و

هشتم جمادی الاخر است به همراهی آقای شریعت آقا بهبهانی آقای حاجی سید مصطفی کاشی، آقای ملا محمدعلی خونساری، آقای آخوند ملا محمدحسین قمشه روانه کربلا [شده] فدوی هم در خدمت هستم آقای آقا میرزا مهدی مدتی است در بغداد با قناسل مشغول سؤال و جواب است، اگر ان شاء الله تعالی زنده باشم عریضه از آن جا عرض می‌کنم» (سند شماره ۵۹)

«... و سبب این همه فتنه و فساد و منشأ این همه خرابی‌ها را جناب عالی بهتر از ما شناخته و می‌دانید که از آن ساعتی که این سلطان جوان مغرور بر اریکه سلطنت نشسته، اسباب انقراض دولت و استیصال ملت فراهم و علائم بدبختی ایرانیان ظاهر و ابواب نجات و رفاهیت به روی شیعیان بسته گشته و از آن روزی که در مقر سلطنت قرار گرفت به حسب ظاهر همه را با ملت همراهی نموده و چند مرتبه به ایمان مغلطه قسم یاد نموده و قرآن مهر کرده که با ملت همراهی کند و قوائم مشروطیت و مشورت را قائم دارد اما در باطن چون مشروطیت را منافی اغراض شخصیه و ضد مقاصد سیئه خود می‌دید، مشغول اخلال و احداث فتنه شد تا خاک مذکت بر سر ملت ریخت و دارالشورای را با توپ خراب و مسجد [را] که خانه خدا و مکان مقدس ملی است ویران نموده و مشروطیین را مخدول و عدالت خواهان را قتل عام کرد» (سند شماره ۵۳)

۳،۱،۳. پابندی به اصول نگارش سنتی

یکی از ویژگی‌های برجسته نثر دوره مشروطه تلاش در جهت رفع عیوب نگارشی و پارسی نویسی است و با رواج روزنامه و ورود آن به فضای مکتوب همگانی، شاهد همراهی و دل‌مشغولی نویسندگان مطرح آن دوره برای حفظ زبان فارسی هستیم و همچنین تلاش می‌کردند اشکالات نگارشی خود را اصلاح کنند و نوشته‌هایشان را در حد مطلوب و قابل قبولی به جامعه ارائه کنند و بر این امر تأکید داشتند؛ اما در این نامه گرایشی به این موارد مشاهده نمی‌شود. «... چه شد که در این مدت هرچه آن برادران شما هل من ناصر گفتند یاری و نصرت از آن‌ها نکردید تا به نصرت آله عز اسمه و تاییدات کامل حضرت امام عصر ارواحنا فداه به حکم الاسلام یعلو و لا یعلی علیه بر حزب شیطان غالب شدند» (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). «به شرف عرض عالی می‌رساند مرقومه محترمه جناب مستطاب اشرف عالی به توسط جنابان امیرالامراء العظام آقای خان بابا خان سرتیپ و عالیشان منصور دیوان زیارت شد از سلامت مزاج مبارک کمال مسرت و خوشحالی روی داد اگرچه بر خود

حضرتعالی این مسئله واضح و مبرهن است و حاجت به مذاکره و عنوان نیست که ارادت و دوستی بنده نسبت به حضرت عالی و فامیل حضرتعالی کمال یکرنگی و یک جهتی و اتحاد را داشته و دارم بخصوص این سفر که بتوسط محترم مرقومه مرقوم فرموده بودید گل بود بسبزه نیز آراسته شد» (سند شماره ۶۲).

«امروز اقدامات شماها به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و نصرت شما از دین مبین یاری خداوند متعال آن است ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ و یثبِتْ اَقْدَامَكُمْ این جانبازان در لوازم مساعدت و طلب ظفر و نصرت و قصور نخواهیم نمود انشاء الله تعالی. من الاحقر الجانی محمدکاظم خراسانی؛ عبدالله المازندرانی» (سند شماره ۵۲)

«خدمت بندگان امیرالامر العظام خدایگانی فرخ خان میر پنجه دام اقباله این که از مراحم حضرت اجل اکرم اعظم روی فداه و جناب مستطاب آقای حجه الاسلام مدظله و مشایعت آقامحمد صالح سلمه الله مرقوم فرموده بودید؛ زیارت شد خداوند سایه مبارکتان از سر فدویان کم نفرماید آنچه را تعهد فرمودید بر خلاف قول محمد علی خان امیدوارم بطوری انجام دهم که رضایت مبارک به عمل آید آنچه ضرر و زحمت او داده چاکران [به] خدمتگذاری تلافی نمائیم و از زحمات آقای سیدرستم سلمه الله و التفاتهای امیرالامراء العظام آقای میرپنجه و رئیس دام اقباله تشکر می نمائیم امیدوار بخداوند هستم نوعی خدمت نمائیم روی معاندین سیاه شود آخرسال است هر قدر زودتر عمل در حضور مبارک ختم نمایند بهتر است» (سند شماره ۵۹)

۱،۳، ۴. آراستن نثر به صنایع لفظی و معنوی و کاربرد اشعار و امثال

در ادبیات مشروطه نثر هم مانند شعر و شاید بیشتر از آن اهمیت پیدا کرد. پیدا شدن انواع جدید نثر مثل متون ترجمه، داستان، ادبیات روزنامه‌ای، رمانهای تاریخی و مانند اینها، اهمیت نثر را در این دوره بیشتر کرد. شیوه‌ای که در نثر سنتی فارسی به قائم‌مقام فراهانی (۱۸۳۶/۱۲۵۲) ختم می‌شد، یعنی نثر منشیانه و ادبی تقریباً با «منشآت» قائم‌مقام راه تازه‌ای در پیش گرفت که بنای آن بر سادگی و پرهیز از پیرایه‌های ادبی بود. این خصلت با فن ترجمه و روزنامه‌نویسی سازگاری بیشتری داشت و به علت حجم بالای این آثار در دوره قاجاری، با سرعت رو به گسترش نهاد و در آثار کسانی

مانند محمدتقی خان سپهر ملقب به «لسان‌الملک» (۱۸۸۰/۱۲۹۷) و رضاقلی خان هدایت (۱۸۷۱/۱۲۸۸) دنبال شد. با این حال نثر امثال سپهر و هدایت را شاید نتوان به دوره مشروطه نسبت داد، هرچند که به عنوان بستر و زمینه پیدایی نثر این دوره قابل ذکر است. تسلط بر کلام و آراستن آن به صنایع لفظی و معنوی و تمایل به زیباسازی گفتار، در نوشته‌های این دوره به چشم می‌خورد و در نامه‌ها نیز این خصوصیت مشاهده می‌شود، البته در نثر این دوره این ویژگی در کنار ساده‌نویسی هست، سادگی زبان و نزدیکی آن به گفتار، از طریق راهبایی اصطلاحات و واژگان گفتاری به نثر - که روزنامه‌نویسی و ترجمه مروج آن بودند - از ویژگیهای بارز این نثر به حساب آمده است. اما همان‌طور که بیان شد در نامه‌ها توجه چندانی به ساده‌نویسی نشده و آراستن نثر به صنایع لفظی و معنوی و کاربرد اشعار و امثال بدون تلاش برای ساده‌نویسی از بیهقی و نصرالله منشی و سعدی باقی مانده است. به عبارتی نگارش نامه‌ها یادآوری نثر تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه و گلستان سعدی است. به نمونه‌های قبلی توجه شود و اینک نمونه دیگر: «... سعی و اهتمام در استحکام اساس مشروطیت و قلع مواد فساد و قمع ریشه استبداد نموده...» (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

امروز اقدامات شماها به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و نصرت شما از دین مبین یاری خداوند متعال آن است ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ و یثبِتْ اَقْدَامَكُمْ این جانبازان در لوازم مساعدت و طلب ظفر و نصرت و قصور نخواهیم نمود انشاء الله تعالی. (سند شماره ۵۲). «... و حاجت به مذاکره و عنوان نیست که ارادت و دوستی بنده نسبت به حضرت عالی و فامیل حضرتعالی کمال یکرنگی و یک جهتی و اتحاد را داشته و دارم بخصوص این سفر که بتوسط محترم مرقومه مرقوم فرموده بودید گل بود بسبزه نیز آراسته شد» (سند شماره ۶۲)

۵،۱،۳. استفاده مکرر از مخاطب دوم شخص

در این نامه‌ها استفاده از دوم شخص زیاد است. از قبیل ای خوانین عظام، شماها، جناب مستطاب عالی جنابعالی. این زاویه دید، نیاز نویسنده را به کشاندن خواننده به متن نشان می‌دهد. سؤال مستقیم از خواننده، وی را درگیر سؤال و گاه حتی مسئول مشکل مورد سؤال می‌کند. از راه این خطاب مستقیم، نویسندگان، مخاطب را در شرایطی قرار می‌دهند که نتواند جایگاه خود را نادیده بگیرد؛ و شیوه‌ای بوده که موجب می‌شده تا مخاطب به خواسته‌های آن‌ها توجه کند (سلطانی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). «به شرف

عرض عالی می رساند مرقومه محترمه جناب مستطاب اشرف عالی به توسط جنابان امیرالامراء العظام آقای خان بابا خان سرتیپ و عالیشان منصور دیوان زیارت شد از سلامت مزاج مبارک کمال مسرت و خوشحالی روی داد اگرچه بر خود حضرتعالی این مسئله واضح و مبرهن است» (سند شماره ۶۲). «... خداوند سایه مبارکتان از سر فدویان کم نفرماید آنچه را تعهد فرمودید بر خلاف قول محمد علی خان امیدوارم بطوری انجام دهم که رضایت مبارک به عمل آید» (سند شماره ۵۹) و شاید جناب عالی را هم بر این امر شنیع تکلیف نموده و اعانه و سوار برای جنگ آذربایجان از جناب عالی هم «... طلبیده باشند و امید از تدین و اسلامیت و کمال خلوص نیت جنابعالی آنکه محمدعلی شاه را بر دین خود اختیار ننموده» (سند شماره ۵۶) «... امروز اقدامات شماها به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و نصرت شما از دین مبین یاری خداوند متعال آن است» (سند شماره ۵۲).

نتیجه گیری

در بررسی نامه‌های مشروطه خواهان به سران ایل کلهر می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس این هدف مسائل تازه ای در ادبیات مطرح گردید که پیش از آن سابقه نداشت مانند مسائل سیاسی و اجتماعی، نظام موجود، آزادی خواهی، وطن دوستی و... که گاه موجب عوض شدن فرم نامه‌ها گردید. که نخستین پیامد ردوبدل شدن نامه بین مشروطه خواهان به سران ایلات غرب کشور بود مضمون غالب آن نامه‌ها آزادی خواهی و مبارزه با ظلم و ستم به عنوان یک تکلیف شرعی است. از لحاظ ساختاری یکی از خصوصیات نثر دوره مشروطه که توجه به حوضه‌های عمومی است، چندان دیده نمی‌شود، البته به نظر می‌رسد که این رویه ناشی از نوع ادبی نامه‌ها باشد. فرایند ساده‌نویسی که یکی از گرایش‌های اصلی نثر دوره مشروطه است به ندرت دیده می‌شود و نثر این نامه‌ها تا حدودی یادآور نثر تاریخ بیهقی و بوستان سعدی است. یکی از نکات بارز و مهم این نامه‌ها زاویه دید آنهاست که به خوبی و زیبایی انتخاب شده است و آن استفاده از دوم شخص است. نکته دیگر که نثر این نامه‌ها را به نثر دوره مشروطه نزدیک کرده جایگزینی استدلال به جای توصیف است، زیرا گرایش به استدلال در نثر یکی از خصوصیات غالب نثر دوره مشروطه هست.

منابع

۱. آراین پور، یحیی، ۱۳۵۷، از صبا تا نیما، تهران، امیرکبیر
۲. افشار، ایرج، ۱۳۶۶، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، ج ۲، تهران: هما
۳. بدلیسی، امیرشرف خان، ۱۳۶۴، شرفنامه بدلیسی، تهران: علی اکبر علمی
۴. برن، رهر، ۱۳۷۵، نظام ایالات در دوره صفویه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۵. رحیمیان، هرمز ۱۳۹۳، ادبیات معاصر نثر: ادوار نثر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سمت
۶. سپانلو، محمدعلی، ۱۳۷۴، نویسندگان پیشرو ایران، تهران، انتشار نگاه
۷. سرامی، قدمعلی ۱۳۷۳، از رنگ گل تا رنج خار، تهران: علمی
۸. سلطانی، محمدعلی، ۱۳۸۶، نهضت مشروطیت در کرمانشاهان، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۹. شعبانی، رضا، ۱۳۹۲، ممیزات تاریخنگاری در ایران، تهران: نشر قومس
۱۰. علی اصغر، ۱۳۷۴، ایران در دوره سلطنت قاجار، شمیم، تهران: مدبر
۱۱. گلستانه، ابوالحسن، ۱۳۴۴، مجمل التواریخ، تهران: ابن سینا
۱۲. گودرزی، علیرضا، ۱۳۸۱، ایل کلهر در دوره مشروطیت، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه
۱۳. محلاتی، ظاهره ۱۳۸۸، روزنامه رسالت ۱۳۸۸/۰۵/۱۴
۱۴. مینورسکی، ۱۳۶۸، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود، رجب نیا، تهران: امیرکبیر
۱۵. نخستین کنگره نویسندگان ایران، بی نا، ۱۳۲۶، تهران
۱۶. ورهرام، غلامرضا، ۱۳۶۸، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند، تهران: معین

در ضمیمه مقاله به منظور شناخت از سبک نامه نگاری عصر مشروطه به نمونه‌های زیر اشاره می‌شود.

شماره سند: ۵۲

موضوع: پیام آیات عظام، آقا محمد کاظم خراسانی و آقا عبدالله مازندرانی خطاب به ایلات کلهر و کلیایی و احمدوند در پیوستن به مجاهدین آذربایجان و ترتیب آزادی آقا سیدعبدالله بهبهانی
تاریخ: یازدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۶ م‌هـ: (محمد کاظم) (قال ابی عبدالله)

بسم الله الرحمن الرحيم

«عموم روسا و عشایر ایلات غیرتمندان خطه ایران خصوص خوانین عظام کلهر و کلیایی و احمدوند دام اعزازهم را به سلام وافر مخصوص می‌داریم تقریباً یک سال است که دولتیان محض پیشرفت مقاصد فاسده خودشان ابواب و طرق وصول و ایصال احکام و مکاتیب ما را در طرفداری ملت و حفظ حقوق و ترفیه حال رعیت و رفع ظلم از مظلومین و وجوب انعقاد مشروطیت و معدلت از پست و تلگراف مسدود نموده از آن طرف مضامین کفرآئین بر ضد مشروطیت و معدلت به ماها نسبت داده و به طبع رسانده و به دست عوام داده و به همین تسویلات و تذویرات و اکاذیب و مجهولات در نفوس و اعراض سی کرور رعیت مستبدانه تصرف و پنجه از خون آنها رنگین و کیسه از مال آنان سنگین می‌نمایند اگر چه تا به حال مکرر تکلیف آن خوانین عظام را تعیین نموده ایم و به آنها نرسیده است باز هم محض اداء و تکلیف شرعی ایقاظ و تنبیه از آن برادران غیور و صاحب خانه های قدیمی ایران می‌نماییم آیا در مدت مجاهدات ملت غیور آذربایجان و مردانگی و اسلامیت و عزم و ثبات قدم جناب سردار ستارخان دام نصره معلوم شماها نشده چگونه مذاهب شیعه سرفراز و جان فشانیهای آن مجاهدین تا چه اندازه باعث روسفیدی و افتخارشان گردید چه شد که در این مدت هر چه آن برادران شماهل من ناصر گفتند یاری و نصرت از آنها نکردید تا به نصرت الهی عز اسمه و تأییدات کامله حضرت امام عصر ارواحنا فداه بحکم الاسلام یعلو ولا یُعلی علیه بر حزب شیاطین غالب شدند. ای خوانین عظام که چشم شفاعت به حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله وسلم دارید چه شد که در این مدت محبوس بودن جناب مستطاب حجه الاسلام آقای آقا سیدعبدالله بهبهانی در جوار و نزدیکی شما در مقام استخلاص آن ذریه طیبه بر نیامدند اینک به تمام شماها زحمت میدهم که بر شماها حتم و واجب است جناب حجه الاسلام معظم الیه را زود مستخلص نموده راضی نشوید. این ننگ برای شماها ابدالدهر بماند و بعد از استخلاص بر حسب امر و دستورالعمل ایشان با کمال اتفاق، یکدل و یکجته سعی و اهتمام در استحکام اساس مشروطیت و

شماره سند: ۵۳

موضوع: پیام حضرت آیت الله آقا محمد کاظم خراسانی به ایلات و طوایف کرمانشاهان برای پیوستن به مجاهدین آذربایجان و ترتیب آزادی آقا سید عبدالله بهبهانی

مهر:

تاریخ: دوازدهم ذیقعدہ ۱۳۲۶

محمد کاظم

«عموم رؤسا و عشایر و ایلات و غیرتمندان خطه ایران خصوص خوانین عظام نواحی کرمانشاهان دام تاییدهم را به سلام وافر مخصوص میداریم تقریباً یکسال است که دولتیان محض پیشرفت مقاصد فاسده خودشان ابواب و طرق وصول و ایصال احکام و مکاتیب ماها را در طرفداری ملت و حفظ حقوق آن و ترفیه حال رعیت و رفع ظلم از مظلومین و وجوب انعقاد مشروطیت و معدلت مسدود نموده به عکس مضامین کفرآئین بر ضد مشروطیت به ماها نسبت داده و به طبع رسانیده و بدست عوام داده تا به همین تسویلات و تذویرات و اکاذیب و مجهولات در نفوس و اغراض و اموال سی کرور ملت، مستبدانه تصرف و پنجه از خون آنها رنگین کنند اگر چه مکرراً تکلیف آن خوانین عظام را معین نموده ایم و نرسیده است باز محض اداء تکلیف شرعی ایقاظ و تنبیه از آن برادران غیور و صاحب خانه های قدیمی ایران می نمائیم آیا در مدت مجاهدت ملت غیور آذربایجان و مردانگی و عزم و ثبات جناب سردار ستارخان دام نصره معلوم شماها نشده که چگونه مذهب شیعه سرفراز و جان فشانیهای آن مجاهدین تا چه اندازه باعث روسفیدی و افتخار آنها گردیده چه شد که هر چه آن برادران شما هل من ناصر گفتند یاری و نصرت آنها نکردید و به فضل و نصرت آله عز اسمه و تاییدات کامله ضرت ولی عصر ارواحنا فداه بحکم الاسلام یعلو و لایعلی علیه بر حزب شیطان غالب شدند. ای خوانین عظام که چشم شفاعت به حضرت خیرالانام صلی الله علیه وآله و سلم دارید، چه شد که در این مدت محبوس بودن جناب مستطاب حجه الاسلام آقای آقا سید عبدالله بهبهانی در جوار شما در مقام استخلاص آن ذریه رسول (ص) بر نیامدید اینک به تمام شماها زحمت می دهیم اولاً بر همه شماها حتم یکدل و یکجهه سعی و اهتمام در استحکام اساس مشروطیت و قلع مواد فساد و قمع ریشه استبداد و با مجاهدین آذربایجان متفق تا در حضور انور پیغمبر اکرم صلی الله وآله وسلم روسفید و نزد تمام دول اروپا سرفراز که امروز اقدامات شماها به منزله جهاد در رکاب امام زمان اروانا فداه است و نصرت شماها از دین مبین نصرت خداوند متعال است. ان نصر الله ینصر کم و یثبت اقدامکم». اینجانبان هم از حضرت احدیت جلت آلائه قوت و نصرت شماها خواهانیم والسلام علیکم. من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی (محمد کاظم)

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

فراش باشی از تمام کدخدایان و رؤسای کلهر از قول من احوال پرسی بکن و بباقرخان و صفرخان و اکبرخان از قول اینجناب بگو شکایت‌ها و فریادهاییکه از تعدیات در صفحات داود مطلقاً که نزد اینجناب میگردید مخصوصاً در مسأله غارتیکه از طایفه سپاسیه و خان باباخان پسر باقرخان کرده بودید و هم چنین مریشه‌ای که در این چند روزه از مجلس و گرفتار کردن داود ایلخانی را نوشته و فرستاده بودید تمام این‌ها صدق و راست است. یا دروغ و خلاف بوده جواب این فقره را گرفته الان تلگراف کن اقبال الدوله امضاء

جواب: عبدالله خان فرشباشی:

معروض میدارد تلگراف مبارک برای حضرات ابلاغ شد جوابی است که عرض کرده‌اند عبدالله امضاء

«متن جوابیه»

متن جوابیه که توسط رؤسای کلهر تهیه شده بشرح زیر است:

اولاً در خصوص حبس ایلخانی که مریشه اشتباه مرض شده به هیچ وجه ماها از آن مریشه اطلاع نداریم و مُرضین ساختگی درست کرده‌اند که طایفه کلهر را خراب و ایلخانی را بدنام کنند. احدی حدو جرأت چنین فطعی را ندارد که ایلخانی را حبس کند.

در خصوص غارت اکبرخان و خان باباخان عرض کردیم غارت او را بگیرید بخود ما پس بدهید. حضرت اجل نصف کلهر را قتل و غارت فرمودند دیگران بُردند دیناری به ماها عاید نشد غیر از خرابی و بدنامی. امر فرمودید که باید با داودخان اصلاح نمائیم چند دفسه ابا کردیم. آقا زاده و سایر محترمین را فرستادند اصلاح نمودیم. دیگر مفایرتی بین ماها نماند. به قید کلام الله مجید دفع کدورت از طرفین شد همگی برادر و یکت جهت برای خدمتگذاری دیوان اعلی و حکومت ایلخانی که از این تاریخ به بعد ماها خلافتی و خیالتهی سرزده که باعث بی‌امتنایی حضرت اجل باشد. مگر اینکه مُفسدین می‌خواهند به جهت مرض شخصی خودشان ما را خراب نمایند.

چاکران هم پیش ازین قوه خرابی و خسارت نداریم و دست از برادری یکدیگر برنخواهیم داشت به جهت

خان بابا خان داماد داود خان کلهر که فرزندان وی بعدها نام خانوادگی شهسوار انتخاب کردند اکبرخان خمام

پدر آقایان اکبری

